[خطبه‌ی اول 3](#_Toc456606847)

[عفو و گذشت در قرآن کریم 3](#_Toc456606848)

[واژه‌های دال بر عفو و گذشت؛ مغفرت و غفران 3](#_Toc456606849)

[غفر 4](#_Toc456606850)

[عفو 4](#_Toc456606851)

[صفح 5](#_Toc456606852)

[قلمرو سه‌گانه‌ی آیات مربوط به روابط اجتماعی 5](#_Toc456606853)

[قلمرو اول؛ عفو و گذشت بین عموم مردم 5](#_Toc456606854)

[قلمرو دوم؛ عفو و گذشت میان اعضای خانواده 5](#_Toc456606855)

[قلمرو سوم؛ عفو و گذشت میان امام و امت 6](#_Toc456606856)

[آیات مربوط به عفو و گذشت در جامعه 6](#_Toc456606857)

[اوصاف مومنین در ارتباط با مردم 6](#_Toc456606858)

[ارزشمندی گذشت در زمان غضب 6](#_Toc456606859)

[هنر انسان‌های بزرگ؛ کنترل خشم و غضب 7](#_Toc456606860)

[غضب پایه‌ی بسیاری از گناهان و آلودگی‌ها 7](#_Toc456606861)

[عفو و گذشت در فضای خانه 7](#_Toc456606862)

[هجرت پیامبر اکرم(ص) از مکه به مدینه 8](#_Toc456606863)

[نقش خانواده‌ها در هجرت از مکه به مدینه 8](#_Toc456606864)

[دوستی ظاهری برخی از اعضای خانواده 9](#_Toc456606865)

[سخت‌گیری‌های بی‌جا پس از هجرت مهاجران به اعضای خانواده 9](#_Toc456606866)

[نیاز مبرم خانواده به عفو و گذشت 9](#_Toc456606867)

[خطبه‌ی دوم 11](#_Toc456606868)

[میلاد امام حسن عسکری(ع) 11](#_Toc456606869)

[پانزده خرداد و اهمیت آن در اندیشه‌ی امام خمینی(ره) 12](#_Toc456606870)

[تشیع، مظهر راستین اسلام 12](#_Toc456606871)

[تلاش اهل بیت: برای نجات از انحراف پیش آمده 13](#_Toc456606872)

[مشروعیت حکومت در سایه‌ی ولایت و امامت 13](#_Toc456606873)

[ادامه‌ی جریان تفکر شیعی بعد از غیبت 13](#_Toc456606874)

[عدم شکل‌گیری تفکر شیعی به صورت گسترده 14](#_Toc456606875)

[نقطه‌ی عطف صفویه در تحول سیاسی تشیع 14](#_Toc456606876)

[شکل جدید مرجعیت تشیع در زمان مرحوم میرزای شیرازی 14](#_Toc456606877)

[جرایانات مشروطه و نهضت نفت 14](#_Toc456606878)

[نهضت پانزده خرداد سال 42 15](#_Toc456606879)

[ویژگی‌های مهم نهضت پانزده خرداد 15](#_Toc456606880)

[دعا 15](#_Toc456606881)

# خطبه‌ی اول

السلام علیکم و رحمة الله

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیة الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ** (**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه‌ی شما برادران و خواهران نمازگزار و خودم را به تقوا و خویشتن داری، پارسایی و پرهیزکاری دوری از آلودگی‌های روحی و اخلاقی و فرمابری از خداوند متعال سفارش و دعوت می‌کنم، امیدواریم خداوند همه ما را بر تحصیل تقوا و اجتناب از رذائل اخلاقی توفیق بیشتر کرامت بفرماید.

## عفو و گذشت در قرآن کریم

در ادامه‌ی بحثی که پیرامون بخشش و عفو و گذشت در میان جامعه داشتیم، به این جا رسیدیم که از ارکان و مبانی سلامت یک جامعه و برقراری روابط درست در خانه و جامعه، حاکمیت روح گذشت و عفو و بخشش است و عرض کردیم که اسلام، هم در محیط خانه هم در محیط کار هم در سایر فضاها و در روابطی که میان انسان‌ها برقرار است، بر گذشت و بخشش و بزرگواری و ایثار، تأکید فراوانی به عمل آورده است. در این زمینه به آیات و احادیثی اشاره کردیم. بحث ما در ادامه‌ی مباحث گذشته، در خصوص عفو و گذشت در قرآن کریم بود.

## واژه‌های دال بر عفو و گذشت؛ مغفرت و غفران

نکته‌ای که در بررسی آیات قرآن، قابل توجه است این است که قرآن از این اصل بسیار مهم اجتماعی و اخلاقی، از الفاظ و واژه‌هایی استفاده کرده و خداوند در قالب آن‌ها مطالب مهمی را برای ما بیان کرده است. الفاظ و واژه‌هایی که در قرآن کریم در این زمینه به کار رفته، چند لفظ بسیار مهم است. یکی از واژه‌ها مغفرت و غفران است.

### غفر

کلمه‌ی غفران، در قرآن کریم در دو مورد به کار رفته است. یکی در خصوص بخشش خداوند نسبت به بندگان خود که منظور همان مغفرت و غفران الهی است و در آیات متعدد قرآن، کلمه‌ی مغفرت و غفران به خداوند نسبت داده شده است. همین کلمه و واژه در قرآن کریم در روابط میان انسان‌ها و گذشت انسانی از دیگری استعمال شده است؛ به عنوان نمونه در اوصاف مؤمن می‌خوانیم: **(وَ إِذا ما غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُون‏)[[4]](#footnote-4)** اینجا غفران را به خدا نسبت نداده، بلکه به عنوان یک ویژگی مؤمن گفته شده که مؤمنان، کسانی هستند که به هنگام غضب و خشم، می‌بخشند. غفر به معنای پوشش و پوشاندن چیزی است و وقتی درباره‌ی خداوند گفته می‌شود که مغفرت خدا شامل حال ما شود؛ یعنی گناهان و آثار گناهان را می‌پوشاند. در روابط ما هم همین طور است. بخشش و گذشت، یکی از قالب‌ها و تعابیر آن، غفر و غفران است. اینکه انسان عیب دیگری را بپوشاند و بر آثار و تبعات و بازتاب‌هایی که کار دیگران نسبت به انسان دارد، سرپوش بگذارد. این یک تعبیر است که در آیاتی از قرآن آمده است. در همین آیه‌ی شریفه همین تعبیر آمده، در آیه‌ی دیگر آمده: **(وَ لَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُور‏)[[5]](#footnote-5)** کسانی که بردباری بورزند و گناه دیگران را ببخشند، نشانه‌ی کار استوار و درست است. این نشانه‌ی عزم و ثبات و استواری شخصیت کسی است که در برابر خطای دیگران، بردباری نشان بدهد و او را ببخشد. این یکی از تعابیری است که در قرآن کریم آمده است.

### عفو

همین طور در این زمینه تعبیر عفو در قرآن آمده است که به معنی گذشت است و عفو، در اصطلاحات ادبی به معنای پوشاندن و فراگیری آمده است. وقتی که بادی بوزد و گرد و غباری بر می‌خیزد و چیزی را بپوشاند و خانه‌هایی را زیر خاک می‌برد، این را «**عَفَتِ الرّيحُ الدّار»** می‌گویند. باد وزید و خانه‌ای را محو کرد؛ یعنی زیر غبار و انبوه خاک و شن، فرو برد. این معنای عفا است. در مورد گناهان هم که می‌گویند: عفو کن؛ یعنی گناه او را ببخش و روی او را بپوشان و اثری بر آن مترتب نکن؛ گویا که این خطا را نکرده است. این هم تعبیر دیگری است که در قرآن آمده است در سوره‌ی شوراء آیه چهل: **(وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّـهِ‏)[[6]](#footnote-6)** در برابر بدی‌ها انسان، حق دارد مقابله‌ی به مثل کند البته در چهارچوب ضوابط شرعی؛ اما کسانی که بگذرند و روابط خود را حتی با کسی که با آن‌ها تندی کرده اصلاح کنند، اجر او بر خداست. پاداش کسی که خطای دوست و رفیق خود را سرپوش بگذارد و به جای برخورد گذشت کند، پاداش او با خداست. عفا و اصلح؛ هم می‌بخشد و هم رابطه‌ی بین خود و دیگران هم اصلاح می‌کند؛ یعنی رابطه‌ی دوستی برقرار می‌کند. کاملا از آن کدورتی که پیش آمده و از آنچه که موجب کینه و عداوت شده، عبور می‌کند و می‌بخشد و بین خود و دیگران را اصلاح می‌کند. اجر این انسان در پیشگاه خداست. تعبیر بلندی است که در سوره‌ی شورا درباره‌ی این موضوع آمده است. هم تعبیر غفران و هم عفو هر دوی این واژه درباره‌ی خدا استعمال شده است؛ ولی هر دو نیز در روابط میان انسان‌ها هم به کار رفته است که در همین آیات شریفه‌ی قرآن کریم، به آن‌ها اشاره کردم.

### صفح

واژه‌ی دیگری هم در قرآن هست که مرتبه‌ی بالاتر عفو را می‌رساند و آن واژه صفح است. صفح یعنی چهره و روی یک چیز. به یک تعبیر گفته شده که بخشش دیگران، صفح است. صفح یعنی روی گشاده در مقابل خطا و اشتباه دیگران داشتن؛ یعنی نسبت به کسی که به او ستمی روا داشته و درباره‌ی او تعدی به عمل آورده، از صمیم قلب از او راضی شود و او را ببخشد. درباره کلمه‌ی صفح گفته شده: **«الصفح ابلغ من العفو»[[7]](#footnote-7)** صفح مرتبه‌ی عالی گذشت است. اینکه کاملا انسان از صمیم قلب از دیگری راضی شود. این هم تعبیر دیگری است که در آیاتی از قرآن، به آن اشاره شده است. بنابراین هم غفران، هم عفو و هم صفح کلماتی است که در قرآن برای بیان همین منظوری که عرض کردم آمده است. این یک مطلب که در قرآن، این سه واژه زیاد به کار رفته است البته با یک مقدار تفاوت‌هایی که به بعضی از آن‌ها اشاره کردم.

## قلمرو سه‌گانه‌ی آیات مربوط به روابط اجتماعی

از سوی دیگر آیاتی که در قرآن کریم در باب عفو و گذشت و بزرگواری، در روابط اجتماعی نازل شده، حداقل به سه قلمرو تقسیم می‌شود.

### قلمرو اول؛ عفو و گذشت بین عموم مردم

بعضی از آیات مربوط به فرهنگ عمومی جامعه است. روحیه‌ی گذشت و عفو به طور، عام در میان انسان‌ها و در همه‌ی محیط‌های اجتماعی و میان مؤمنان و مسلمانان؛ یعنی همه جا و در هر شرایطی باید میان برادران و خواهران ایمانی عفو و گذشت حاکم باشد و این مورد ترغیب قرآن کریم قرار گرفته است. این یک قلمرو است.

### قلمرو دوم؛ عفو و گذشت میان اعضای خانواده

به دلیل جایگاه مهمی است که خانه، در آرامش و آسایش انسان‌ها دارد و تأثیرات گسترده‌ای که سلامت و سعادت خانواده، در همه‌ی جامعه به جا می‌گذارد قلمروی دومی که قرآن بر عفو و گذشت تأکید کرده است، در فضای خانه و در روابط افراد و اعضای خانواده است.

### قلمرو سوم؛ عفو و گذشت میان امام و امت

قلمرو سوم که در قرآن به آن اشاره شده است در روابط پیامبر با امت خود است و اگر آن را بخواهیم تعمیم دهیم در روابط امام و مسئول جامعه، با مردم است که بر عفو و گذشت تأکید شده. بنابراین بعضی از آیات اصل و قاعده‌ی عمومی را بیان می‌کنند؛ بعضی از آیات به عفو و گذشت در محیط خانه اشاره دارد و آیاتی هم به رابطه‌ی پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد بن عبدالله(ص) در ارتباط با جامعه و در واقع در زمینه‌ی رابطه‌ی مسئول و مبلغ و مربی دینی با مردم، اشاره دارد. من برای هر یک از این سه قلمرو نمونه‌ای از آیات قرآن اشاره می‌کنم.

## آیات مربوط به عفو و گذشت در جامعه

در قلمرو اول که همان اصل عفو و گذشت در میان عموم جامعه و در همه‌ی فضاهاست. در آیات قرآن به عفو در میان مؤمنان، به عنوان یک ویژگی مؤمن اشاره شده است و همان اصل**(رُحَماءُ بَيْنَهُم ‏)[[8]](#footnote-8)** ‏ که مؤمنان در میان خود با رحمت و مهربانی رفتار می‌کنند؛ البته در آیاتی هم با عنوان مغفرت و عفو و گذشت آمده است. چون علاوه بر این سه واژه‌ی غفران و عفو و صفح، واژه‌های دیگری در قرآن هست که با این واژگان ارتباط دارد؛ مثل رحمت.

## اوصاف مومنین در ارتباط با مردم

در این زمینه اوصاف پارسایان و انسان‌های باتقوا را بر می‌شمارد: (**الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّـهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ**)[[9]](#footnote-9) در این آیه‌ی شریفه به چند ویژگی و اوصاف متقین و پارسایان اشاره شده که از جمله این دو صفت: (**الْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ**) است. اینها رابطه‌ی مقدمه و ذی المقدمه دارد، بخشش هنگام غضب مهم است، چون وقتی که غضب و خشم انسان، دست خودش نباشد، گذشت، چندان اهمیتی ندارد.

## ارزشمندی گذشت در زمان غضب

بنابر آنچه که در روایات بر آن تأکید شده، گذشت هنگامی ارزش و منزلت دارد که انسان هنگام غضب و خشم گذشت و خویشتن‌داری کند. خشم از عواطف درونی است که انسان را از جا به در می‌برد و به پرخاشگری و مقابله‌ی به مثل، فرا می‌خواند. اگر کسی بخواهد عفو را اعمال کند، ارزش آن هنگام غضب و خشم است و لذا در این آیه می‌فرماید: (**وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ**)[[10]](#footnote-10) ارزش عفو و گذشت شما از برادر، از همسر، از هر کسی که با شما رابطه‌ی بدی داشته و ستمی روا داشته زمانی است که شما خشمگین هستید و عفو می‌کنید. هنگام خشم، انسان در صورتی می‌تواند عفو و گذشت کند که خشم که عامل درونی و ریشه‌ی پرخاشگری و عدم گذشت است را کنترل کند؛ چون موتور محرک پرخاش و تعدی و مقابله‌ی به مثل، در محیط اسلامی در میان برادران و خواهران دینی، خشم درونی انسان است.

## هنر انسان‌های بزرگ؛ کنترل خشم و غضب

انسان‌‌هایی بزرگ‌اند و ارزش متعالی دارند، که ظرفیت وجودی آن‌ها چنان باشد که در موقع خشم، آن را مهار کنند و در کنترل خود بگیرند. اگر کسی خشم را مهار کرد و بر خشم و غضب خود مسلط شد، این کنترل، به آدمی آرامش می‌بخشد؛ به او توانایی گذشت می‌دهد؛ از صمیم قلب راضی می‌شود. کینه‌ها و عداوت‌ها را از درون خود زائل می‌کند. این هنر انسان است. هنر انسانی این است که به هنگام شهوت، توانایی خویشتن‌داری داشته باشد. در موقع خشم و غضب بتواند خود را کنترل کند.

## غضب پایه‌ی بسیاری از گناهان و آلودگی‌ها

غضب پایه‌ی بسیاری از گناهان و آلودگی‌ها است؛ یعنی موتور محرک و انگیزه‌ی بنیادی بسیاری از گناهان و آلودگی‌ها، غضب و خشم است. قرآن کریم اول به ریشه و بعد به روبنا اشاره می‌کند. پارسایان که بهشت، برای آن‌ها آماده شده، کسانی هستند که کظم غیظ می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند. به دنبال این می‌فرماید: نتیجه‌ این می‌شود که (**الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ**) هستند. در روابط اجتماعی و خانوادگی گذشت می‌کنند. در این دو آیه‌ی شریفه و پاره‌ای دیگر از آیات قرآن و همین طور اخبار و احادیث به اصل خویشتن داری، فرونشاندن غضب و خشم و گذشت از تعدی و ستم دیگران در حقوق شخصی خود، اشاره شده است نه در حقوق اجتماعی و حقوق الله، بلکه در حقوق شخصی. حقوق الناسی که شخصی باشد، با توضیحاتی که چند هفته‌ی قبل عرض کردم. در این دو آیه و آیات دیگری در قرآن و احادیث فراوان به این قاعده، به عنوان یک قاعده‌ی عمومی و به عنوان صفت متقین در یک آیه و صفت مؤمنان در آیه‌ی دیگر اشاره شده است.

## عفو و گذشت در فضای خانه

قدم دوم عفو و گذشت که در قرآن به آن اشاره شده است در فضای خانه و در روابط خانوادگی است. درست است که قرآن، در قلمرو اول همه‌ی مؤمنان را به گذشت و بزرگواری دعوت کرد و جامعه‌ی اسلامی را به اصلاح روابط، میان خود و بزرگواری نشان دادن و عفو و گذشت و ایثار فراخوانده است؛ اما دلیل اهمیت فضای خانه در آیاتی از قرآن، این اصل را بیشتر مورد تأکید قرار داده است. درست است که همه جا دوستان و مؤمنان و برادران و خواهران ایمانی، باید در روابط خود بر مبنای گذشت و اصلاح عمل کنند؛ اما در فضای خانه این قاعده از اهمیت بیشتری برخوردار است. آیات متعددی به این قلمرو اشاره دارد. آیاتی در هفته‌ی قبل اشاره شد، مربوط به زمان پیامبر اسلام حضرت محمد بن عبدالله(ص)بود.

## هجرت پیامبر اکرم(ص) از مکه به مدینه

زمانی که پیام‌آوران و مبلغان اسلام در سرزمین مدینه فضای خوبی ایجاد کرده بودند و شرایط خوبی برای تشکیل حکومت اسلامی و حاکمیت اسلام ایجاد شده بود. پیامبر اسلام(ص) با موقعیت شناسی دقیق و تبلیغ، به همراه سختی‌ها و متاعب فراوان، مردم را به هجرت از مکه به مدینه فراخواندند، چون تبلیغ پیامبر اسلام و یاران او، در مکه از مراحل متعددی عبور کرد و سختی‌های فراوانی را پشت سر گذاشتند؛ ولی محیط کفر آلود و ستم آلود مکه چنان بسته بود که فضا برای نفس کشیدن به صورت کامل، فراهم نبود. از طرف دیگر در مدینه زمینه‌های خوبی فراهم شده بود. به این دلیل پیامبر اسلام پس از آن مراحل سخت، مردم را به هجرت از مکه به مدینه فراخواند و خود حضرت هم در موقع مناسبی مخفیانه از مکه به مدینه، برای پایه ریزی ارکان اولین حکومت اسلامی در مدینه هجرت کردند. در موقع هجرت، مواردی پیش آمد.

## نقش خانواده‌ها در هجرت از مکه به مدینه

وقتی که افراد می‌خواستند از مکه هجرت کنند زنان و فرزندان آن‌ها، به خاطر علاقه‌ای که فرزندان و همسران به همسر خو داشتند، جلوی این هجرت را می‌گرفتند. قبل از این آیات آیاتی داریم که **(وَ أَطيعُوا اللَّهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُول‏ )[[11]](#footnote-11)** مردم موظفند از خدا و پیامبر خدا اطاعت کنند. وقت هجرت، به خاطر دوستی ظاهری، عده‌ای نمی‌گذاشتند همسرانشان از مکه به مدینه هجرت کنند. فرمان رسول خدا هجرت بود؛ اما اینها ممانعت می‌کردند. اینجاست که این آیه‌ی بسیار زیبا نازل شد**(‏يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْواجِكُمْ وَ أَوْلادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُم )[[12]](#footnote-12)** ‏ مردم به گوش باشید به ظاهر دوستی‌های همسر و فرزندان خود نگاه نکنید؛ گاهی این دوستی‌های ظاهری، پایه‌ی دشمنی با شماست و حقیقت این دوستی دشمنی است. قالب و صورت و چهره‌ی ظاهری، دوستی است. دوستی همسر یا فرزندان شما از روی عواطفی است که در روح و نتیجه‌ی آن دشمنی با شماست. شما برای رعایت فرزند یا همسر خود دستورات و فرمان الهی و فرمان رسول خدا را زیر پا می‌گذاری؟ این دوستی نیست؛ این در واقع دشمنی است. به روی هم لبخند می‌زنید و از روی علاقه و مهر، مانع رفتن همسر یا فرزند به جبهه می‌شوید؛ مانع از اطاعت پیشوا و رهبرش می‌شود؛ اما حقیقت این دوستی، دشمنی است؛ چرا که هم برای همسر خود را از ادای تکلیف الهی بازداشته است و هم به خود، مانع ادای تکلیف الهی شده است. در این زمینه آیه‌ی قرآن نازل شد که **(‏فَاحْذَرُوهُم )**

## دوستی ظاهری برخی از اعضای خانواده

گاهی است که همسر و اعضای خانواده و دوستان و رفقا، به ظاهر دوست ما هستند؛ اما در حقیقت را به سمت گناه و آلودگی می‌برند؛ شما را در ورطه‌ی هلاکت و آلودگی به گناه سقوط می‌دهند. همیشه این طور نیست؛ ولی گاهی روابط دوستی ظاهری، مانعی در مسیر اجرای فرمان خداست که این جا دشمن شما می‌شود و دیگر دوست نیست. کسی که شما را به گناه و تباهی دعوت می‌کند، همسری وفاداری نیست. از کسانی که شما را به تخطی و تعدی و آلودگی فرا می‌خواند، بترسید. به هوش باشید که به خاطر دوستی‌های ظاهری، به خاطر علاقه‌ها و محبت‌های پوشالی و سطحی، در دام گناه و آلودگی قرار نگیرید.

## سخت‌گیری‌های بی‌جا پس از هجرت مهاجران به اعضای خانواده

بعد از هجرت، عده‌ای از مهاجران وقتی که مجددا همسر و فرزندان خود را دیدند، راه افراط را نسبت به آن‌ها پیش گرفتند که شما زمانی مانع هجرت ما بودید و ما را به تخطی از فرمان رسول خدا دعوت می‌کردید و سختگیری‌های بیجا و زیاد از حد نشان دادند و با تندی با آن‌ها برخورد می‌کردند. ادامه آیه قرآن می‌فرماید: **(‏وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّـهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ)[[13]](#footnote-13)** شما ضمن اینکه نباید سخن دوست و همسر و فرزند خود را در مقابل خدا و رسول خدا اطاعت کنید و زمانی که فرمان رسول خدا و فرمان حق صادر شد، سخن همه را کنار بگذارید و دستور او را اجرا کنید؛ باید ارتباط با فرزندان و همسر اهل گذشت و مهربانی و بزرگواری باشید. این آیه چقدر جالب است که در یک نقطه‌ی حساس از طرفی فریاد می‌زند که به هوش باشید و به خاطر دوستی‌ها، فرمان خدا را زیر پا نگذارید و از سوی دیگر می‌فرماید: آن مهربانی و عطوفت لازم را در خانه، فراموش نکنید.

## نیاز مبرم خانواده به عفو و گذشت

در هر حال محیط خانه نیاز به بزرگواری شما و عفو و گذشت دارد. ضمن اینکه در همه جا عفو و گذشت مورد ترغیب است؛ اما در چنین موقعیت‌های خطیر و فضای خانه، با همه‌ی خطا‌های افراد خانواده، گذشت و مهربانی نباید فراموش شود. از زیبایی‌های قرآن این است که این عفو و گذشت در خانه را دقیقا آورده است. در جایی که فرزند و همسر مانع اجرای فرمان الهی می‌شوند، فرمان خدا و رسول خدا را اطاعت کن؛ اما فضای خانه نیاز به عفو و گذشت دارد. در این آیه خیلی روی این مسئله تأکید دارد. بعد هم با سه جمله‌ی **(‏وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا)[[14]](#footnote-14)** ما را به گذشت در میحط خانه تأکید می‌کند. با این که در یک موقعیت حساس، همسر و فرزندان مانع اطاعت اوامر پیامبر اکرم(ص) شدند؛ اما با این حال تأکیدات متعددی برای عفو و گذشت، آورده است.

همه این تاکیدات به خاطر این است که در پرتو مهر و محبت شماست که فرزندان سالمی رشد پیدا می‌کنند. حتی اگر گناهی هم از آن‌ها دیدیم باید سعی کنیم آن‌ها را ملایم و نرم کنیم و با خوشی و با حسن خلق، نوجوان و نونهال خود را به سمت حقیقت و واقعیت سوق بدهیم. اگر راه بخشش و گذشت و عفو و ایثار، بزرگواری و مهربانی را در خانه طی کردیم، خداوند هم غفور و رحیم است. پاداش مردان و زنانی که در فضای خانه و در تعاملات خود با یکدیگر و با فرزندان با مهربانی و صمیمیت و عفو و گذشت باشد و با این راه، دیگران را به طریق درست هدایت کنند، مغفرت خدا را به همراه دارد. خداوند هم در برابر عفو، مغفرت و بزرگواری شما، شما را مورد عفو و بخشودگی خود قرار خواهد داد. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را توفیق کرامت فرماید تا در همه‌ی فضاها بر اساس بردباری و صبر و گذشت و ایثار و عفو در میان خودمان و در جامعه‌ی اسلامی عمل کنیم و همه‌ی ما بتوانیم دستورات خداوند را با همین پایه و اساس در جامعه تحقق ببخشیم. ان شاء الله

**(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[15]](#footnote-15)**

صدق الله العلی العظیم.

# خطبه‌ی دوم

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[16]](#footnote-16)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله**

مولای متقیان امیرالمؤمنین می‌فرمایند: ای مردم تقوای الهی را پیشه کنید. آماده عزیمت به سوی خداوند باشید. مرگ بر شما سایه افکنده است. بدانید که میان شما و بهشت یا جهنم، جز مرگ فاصله‌ای نیست. با فرارسیدن مرگ شما در آستانه‌ی بهشت یا جهنم قرار خواهید گرفت. هر ثانیه و دقیقه و ساعتی که از عمر ما می‌رود به مرگ نزدیک‌تر می‌شویم. سرانجام، مرگ به همه‌ی ما بسیار نزدیک است. برای اینکه لحظات زندگی، عمر ما را تمام می‌کند. این مدت بسیار کوتاهی است، شب و روز، عمر شما را در کام خود فرو می‌برد. با گذر ساعات و دقائق و شب و روز، عمر شما به کام زمانه می‌رود و شما به پایان عمر نزدیک می‌شوید. با فرارسیدن مرگ داستان شما در پیش روی چشم شما تجسم پیدا می‌کند. اگر اینگونه است پس چرا در خوابید؟ اگر سرنوشت شما از این طور است و تنها مرگ در جلوی ما قرار گرفته است، پس چرا خوابیم؟ از دنیا توشه‌ای برگیرید که آن روز شما را صیانت کند؛ توشه‌ای برگیرید که شما را از عذاب الهی در امان بدارد باشد. امیدواریم همه‌ی ما با شنیدن این سروش غیبی و پیام علوی آمادگی بیشتری پیدا کنیم ان شاء الله.

## میلاد امام حسن عسکری(ع)

امروز میلاد یازدهمین کوکب هدایت و ستاره‌ی درخشان ولایت حضرت امام حسن عسکری(ع) است. تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و ایام عزای عمومی که به خاطر تجاوز اشغالگران به سرزمین عتبات عالیات و هتک حرمت عتبات عالیات و مشاهد مشرفه صورت گرفت را تسلیت عرض می‌کنم و ما انزجار خود را در جای جای سرزمین‌های اسلامی به کسانی که پرچم‌های کینه و تجاوز را برافراشته‌اند اعلام می‌کنیم و با همه‌ی وجود، تنفر خود را نسبت به پایه گذاران ظلم و ستم در جهان اسلام، از فلسطین گرفته تا افغانستان و عراق و تا این ایام که نمادهای مقدس اسلام و تشیع را مورد هتک قرار داده‌اند، اعلام می‌کنیم و امیدواریم که خداوند پایان این ستم و تجاوزی که به امت اسلامی و به عتبات عالیات روا داشته‌اند برای اشغالگران و ستم پیشگان، جهنم دردناکی در دنیا و آخرت ان شاء الله خداوند مقرر بفرماید.

## پانزده خرداد و اهمیت آن در اندیشه‌ی امام خمینی(ره)

ما چون در ماه خرداد هستیم و در آستانه‌ی چهاردهم و پانزدهم خرداد مطالبی را در این زمینه عرض می‌کنم. چهاردهم خرداد سالروز ارتحال امام هست و پانزدهم خرداد که با قیام خونین مردم همراه بود که بسیار مورد علاقه‌ی حضرت امام بود و ایشان از پانزده‌ی خرداد بسیار تجلیل می‌کردند. شاید اگر کسی به سخنان و نوشته‌های امام توجه کند، این را لمس می‌کند که پانزده‌ی خرداد یکی از مهمترین روزها و حوادث و مناسبت‌ها در کلام امام است. ایشان تأکید کرده‌اند که جامعه‌ی ما و نسل‌های آینده، همواره باید پانزده‌ی خرداد را گرامی بدارد؛ برای اینکه یک نقطه‌ی عطف بزرگ در تاریخ اسلام و تشیع بود و من برای اینکه این بعد قضیه را روشن کنم و یادآوری داشته باشم برای به خصوص جوانان عزیز و گرامی اشاره‌ای به گذشته‌ی تشیع تا پانزده‌ی خرداد خواهم داشت تا روشن شود که پانزده‌ی خرداد حادثه‌ی ناگهانی و بی ریشه‌ی در اعماق تاریخ اسلام و تشیع نبوده است. پانزده‌ی خرداد نهالی است که در سال چهل و دو نشانده شد و برپای خود ایستاد؛ اما این نهال مبارک، ریشه‌های بسیار عمیقی در تاریخ هزار ساله و بیش از هزار ساله اسلام و به خصوص جریان تشیع دارد. پانزده‌ی خرداد یک حرکت کور، یک شورش ناگهانی، یک خشم مقدس فجئه‌ای نبود؛ بلکه ریشه در اعماق فرهنگ اسلام و تاریخ تشیع داشت و بر پایه‌ی تحولات ممتد تاریخ اسلام و تشیع شکل گرفت.

## تشیع، مظهر راستین اسلام

تشیع به عنوان مولود مبارک اسلام و به عنوان جریانی که در متن تعالیم پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله(ص) ریشه داشت، باید ارزیابی شود. کسانی خواسته‌اند تشیع را به عنوان یک فرقه و انشعاب در اسلام قلمداد کنند. این تصور و نظریه خلاف استدلالات قطعی است که شیعه بر نظریه‌ی خود دارد. ما معتقدیم تشیع و جریان ولایت و امامت انشعاب در اسلام نبود، یک جریان فرعی منشعب از صراط مستقیم الهی و اسلام عزیز نبود؛ بلکه به استناد آیات قرآن، احادیث معتبر و تاریخ متقن و استدلالات قوی، معتقدیم تشیع همان اسلام ناب، جریان ولایت و امامت، مولود درست و راستین و طبیعی پیامبر و بعثت رسول خداست. غدیر و ولایت و امامت، امتداد راستین بعثت و طلوع خورشید اسلام است. این از مبانی اعتقادی ماست و برای آن، استدلالات متقن قرآنی، حدیثی و تاریخی داریم.

این مولود مبارک اسلام و جریان ممتد تاریخی در آغاز، مورد بی‌مهری و بی‌عنایتی قرار گرفت. مع الاسف افرادی که به درستی این حقیقت را شناخته باشند و مسیر درست را تشخیص داده باشند، اندک بودند. غبارها و فضاهای تیره، چنان فضا را تصویر کرد که کسانی که به این حقیقت به درستی پی برده باشند، اندک بودند؛ اما به استناد استدلالات متقن، تشیع مظهر راستین اسلام است. به دلیل انحرافی که پدید آمد، پیروان اسلام راستین، در اقلیت معدودی بودند.

## تلاش اهل بیت: برای نجات از انحراف پیش آمده

بیش از دو قرن و قریب به سه قرن ائمه‌ی معصومین: در صدد این بودند که پایه‌های اولیه‌ی فکری، اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و فقهی و حدیثی تشیع را در قالب‌های گوناگون استوار کنند. در قالب جنگ‌های امیرالمؤمنین(ع) در قالب حماسه‌ی عاشورا یا در قالب صلح امام حسن(ع) یا در ظاهر حرکت علمی و فرهنگی بسیار عمیق امام صادق(ع) و سایر فعالیت‌هایی که ائمه و پیشوایان معصوم: ما داشتند. همه، این خط را تعقیب می‌کردند که امت اسلامی را از انحرافی که به آن مبتلا شده بود، برگردانند و تشیع را در جایگاه درست خود قرار بدهند و حقیقت را برای امت اسلام، روشن کنند و همین کار را کردند. البته کسانی که به تشیع گرویدند، حقیقت را به طور کامل دریافت کردند و گروه‌های زیادی از مسلمانان غیر از ناصبی‌ها و متعصبان، به بخشی از این حقیقت در فرهنگ امامت و ولایت پی بردند. در زمان ائمه‌ی طاهرین: در قالب‌های گوناگون با شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون، مبانی تشیع و اسلام راستین استوار شد.

با همه‌ی مجاهدت‌ها، با همه‌ی تلاش‌ها و کوشش‌هایی که در عرصه‌ی رزم یا علم و دانش و فرهنگ نشان داده شد، تشیع تابش و درخشش خودش را پیدا کرد و تا حد زیادی برای امت اسلام شناخته شد. چه در قالب کسانی که تشیع پیدا کردند یا در قالب انبوه برادران اسلامی و دینی ما که به بخشی از حقیقت توجه کردند.

## مشروعیت حکومت در سایه‌ی ولایت و امامت

نکته‌ای که ما در تاریخ تشیع شاهد آن هستیم این است که تشیع در ذات خود معتقد به امامت و ولایت است و اینکه حکومت باید از ناحیه‌ی امامت و ولایت مشروعیت پیدا کند. این پایه‌ی فکری و اعتقادی اسلام راستین و تشیع است که در طول قرن‌ها حفظ شد. علی رغم فراز و نشیب‌های فراوانی که در تاریخ اسلام و تاریخ تشیع با آن مواجه بود، هیچ گاه امامان، دانشمندان و هیچ جریان شیعه‌ای نبوده است که در پایه، معتقد باشد که حکومت حق، از آن کسانی است که به امامت و ولایت منتسب نباشند.

## ادامه‌ی جریان تفکر شیعی بعد از غیبت

این جریان ادامه پیدا کرد و بعد از زمان غیبت صغری هم ادامه‌ی همان جریان بود. در زمان غیبت کبری هر گاه جمعی از علماء و شیعیان در جایی قدرتی پیدا می‌کردند، در صدد این بودند که حکومت الهی را برپا کنند و مبانی تشیع را در عرصه‌ی حکومت، به نمایش بگذارند و اجرا کنند. اگر کسی به تاریخ حوزه‌های دینی ما، به تاریخ حکومت‌های شیعی که گاها در گوشه و کنار دنیای اسلام برقرار می‌شد نگاه کند، این را خواهد دید که تشیع یعنی اعتقاد به امامت و ولایت و تلاش برای حاکمیت حق و حکومتی که به اسلام و ولایت و امامت منتهی شود. این معنی تشیع است. هیچ‌گاه تشیع از این داعیه، از این ادعای بزرگ خود دست برند‌اشته است.

## عدم شکل‌گیری تفکر شیعی به صورت گسترده

البته حکومت‌های شیعی پراکنده‌ای در گوشه و کنار دنیا مثل فاطمیان در مصر و ده‌ها نمونه از حکومت‌های منطقه‌ای که علماء و بزرگان شیعه در گوشه و کنار جهان اسلام، پدید می‌آمدند؛ ولی هیچ گاه زمینه، برای حرکت‌های عمومی تشیع و حضور گسترده‌ی تشیع در عرصه‌ی جهان اسلام و در مناطق وسیع، فراهم نشده بود. از زمان نهضت تنباکو شاهد یک تحول جدیدی در تاریخ تشیع هستیم. گرچه در طول قرن‌های گذشته در زمان غیبت کبری، در گوشه و کنار جهان تشیع و جهان اسلام، علمایی پیدا می‌شدند و حکومتی تشکیل می‌دادند؛ ولی محدود بود.

## نقطه‌ی عطف صفویه در تحول سیاسی تشیع

حکومت صفویان علی رغم خطاهایی که داشت یک نقطه‌ی عطف مهم در تحول سیاسی تشیع بود و برای اینکه تشیع در سرزمین ایران رسمیت پیدا کند، علماء از آن به خوبی استفاده کردند و البته آن حکومت اشتباهات و خطاهای فراوانی هم داشت که بعد خود علماء هم از آن روی برگرداندند؛ اما دوره‌ی حکومت صفویه یک نقطه‌ی عطف در تاریخ تشیع بود.

## شکل جدید مرجعیت تشیع در زمان مرحوم میرزای شیرازی

از زمان مرحوم میرزای شیرازی، مرجعیت تشیع یک شکل جدیدی پیدا کرد. مرحوم آیت الله شهید صدر در یکی از نوشته‌ها یا سخنرانی‌های خود ادوار مرجعیت را تقسیم کرده‌اند که من اینجا به این نکته فقط اشاره می‌کنم که پیدایش مرجعیت میرزای شیرازی در سامراء نقطه‌ی عطفی در مرجعیت تشیع و تمرکز قدرت تشیع در یک مرجعیت عامه بود. در زمان ناصرالدین شاه قاجار بود که مرجعیت عامه و متمرکز میرزای شیرازی و فتوای تنباکو ایشان در برابر نقشه و توطئه‌ی خطرناک جهانی که علیه کشور ما نقطه‌ی عطفی ایجاد کرد و تشیع را به سمت اقتدار جهانی و حضور در عرصه‌ی بین المللی و اقتدار در داخل کشور، پیش برد. بعد از مرجعیت میرزای شیرازی، حوادثی را شاهد هستیم که کاملا ناب نیست؛ اما در آن علماء، مردم متدین ما حضور دارند و حاکمیت تشیع و شکل‌گیری اسلام شیعی در اعماق وجود آن‌ها مورد نظر بوده است.

## جرایانات مشروطه و نهضت نفت

بعد جریان فتوای میرزای شیرازی جریان مشروطه، نقطه‌ی عطف دیگری است که تشیع را به اقتدار و حضور در عرصه‌ی حکومت نزدیک می‌کند که آمیزه‌ای از اسلام و تشیع و ملیت بود؛ اما این هم خالص و ناب نبود. بعد از آن، نهضت نفت و جریان مبارزه در نهضت نفت بود که در کشور پیش آمد که آن هم یک جریان ناب نبود. گرچه هم مشروطه‌ی درست، هم نهضت نفت با آن ارکان و شرایط خود در جای خودش حرکت‌های خوبی بود؛ اما هیچ کدام از این‌ها آن حرکت ناب دینی و مبتنی بر مبانی اصیل شیعی نبود.

## نهضت پانزده خرداد سال 42

بعد از آن، به نهضت امام و پانزده‌ی خرداد می‌رسیم. آن نقطه‌های عطف اصلی در تاریخ تشیع و تحولات سیاسی تشیع زمانی است که علماء در حکومت صفویه تلاش کردند و به تشیع رسمیت بخشیدند. نقطه‌ی عطف دیگر آن نهضت تنباکوست که قدرت مرجعیت متمرکز را به دنیا نشان داد و بعد از آن پانزده‌ی خرداد است. بنابراین نهضت‌های شیعی یا منطقه‌ای و محدود بودند یا مثل مشروطه و نهضت نفت، ناب و خالص نبودند.

## ویژگی‌های مهم نهضت پانزده خرداد

پانزده‌ خرداد چند ویژگی بسیار مهم دارد. اولین ویژگی آن این است که یک نقطه‌ی عطف جدید در تحولات سیاسی شیعه است. دومین ویژگی آن این است که این نقطه‌ی عطف برخلاف نهضت نفت یا مشروطه، ناب، دینی و اسلامی است و امتیاز سوم آن این است که این نقطه‌ی عطف، داعیه‌ی بین المللی دارد. امام از همان پانزده‌ی خرداد که در فیضیه سخنرانی کردند در خطابه‌های حماسی و آتشین خود، در برابر رژیم ایستادند. مبنای سخن ایشان حاکمیت اسلام، احکام اسلام و نگاهی به حوادث بین المللی بود. فلسطین، اسرائیل و آمریکا را مطرح کردند؛ یعنی پایه‌ی یک حرکت جدید فراگیر اسلامی و شیعی در دنیای معاصر در فیضیه در سخنرانی امام و پانزدهم خرداد و در حوادث دلخراشی که در شهرهای کشور در پانزده‌ی خرداد چهل و دو رخ داد، تحقق پیدا کرد. این معنای پانزده‌ی خرداد است، امام بی جهت پانزده‌ی خرداد را این قدر مهم نشمردند. حضرت امام در سخنرانی فرمودند من پانزده‌ی خرداد را برای همیشه‌ی تاریخ، عزای عمومی اعلام می‌کنم.

## دعا

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دلهای ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر (عج) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

**بسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يلِدْ وَلَمْ يولَدْ وَلَمْ يكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ[[17]](#footnote-17)**

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی شورا، آیه‌ی 37. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ی شورا، آیه‌ی 43. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی شورا، آیه‌ی 40. [↑](#footnote-ref-6)
7. . تفسیر خسروی، ج 8، ص 302. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ی فتح، آیه‌ی 29. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 134. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 134. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی مائده، آیه‌ی 92. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی تغابن، آیه‌ی 14. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ی تغابن، آیه‌ی 14. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره‌ی تغابن، آیه‌ی 14. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره الاخلاص [↑](#footnote-ref-17)